

# دولت و آزمون سیاست گذاری آن

نگاه دکتر موسی غنی نژاد، عضو هیأت علمی دانشگاه صنعت نفت و شورای سیاست گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»

هدفمندی یارانه‌ها را باید به نوعی اصلاح قیمت‌های انرژی و کالاهایی دانست که به هر دلیلی، قیمت آنها با هزینه فرصت واقعی آنان متفاوت است و دولت بابت این کالاها یارانه می‌پردازد.

این که قیمت‌ها اصلاح شوند حرکتی مفید است، اما خود موضوع هدفمندی یارانه‌ها دارای یک مشکل و ابهام مفهومی است. در این راستا باید به این نکته اشاره کرد از آنجا که یارانه‌ها باعث خدشه در قیمت‌ها و بر هم خوردن قیمت‌های نسبی در بازار می‌شوند، اصلاح قیمت‌ها به ضرورتی انکار ناپذیر تبدیل می‌شود، اما هدفمندی یارانه‌ها استنباط دیگری را ایجاد می‌کند و آن این است که ما نمی‌خواهیم یارانه‌ها را برداریم، بلکه قصد داریم همان یارانه‌ها را به شکل دیگری بپردازیم. این سیاست از نظر اقتصادی، سیاست قابل دفاعی نیست، چون کلاً پرداخت یارانه از طریق سیستم قیمتی اشتباه است. این که دولت برای کم درآمد‌ها با ایجاد پوشش حمایتی، مثلاً بیمه‌ای به جبران کاهش قدرت اقتصادی آنان بپردازد، کار مثبتی است که با هدفمندی یارانه‌ها متفاوت است. همین سیاست حمایتی می‌تواند با راهکارهای خاص خود در مورد بنگاه‌هایی که در نتیجه سیاست مذکور متضرر می‌شوند اعمال شود.

نکته مهم در این زمینه آن است که تأسیس نهاد یا سازمانی تحت عنوان سازمان هدفمندی یارانه‌ها که بخواهد به انجام تکالیفی از این قبیل اهتمام ورزد و سیاست‌های مرتبط با هدفمندی را پیگیری کند، به نوعی منجر به موازی کاری و اتلاف منابع دولتی می‌شود و در این راستا، دولت باید با استمداد از نهادهای موجود نظیر تأمین اجتماعی، اهداف مرتبط با اصلاح نظام قیمتی را دنبال کند. در حال حاضر، دولت به میزان یکسان به همه اقشار جامعه یارانه نقدی پرداخته است. این عمل، نقض غرض سیاست هدفمندی یارانه‌ها تلقی می‌شود و باعث افزایش نقدینگی در کشور می‌گردد.

از این زاویه هم که به موضوع نگاه کنیم، دولت نباید از این مسیر به اقشار جامعه کمک کند، چرا که این روش، روش کارآمدی نیست. نکته دیگر آن که افزایش قیمت حامل‌های انرژی و عادت تولید کنندگان کشور به انرژی ارزان که ساختار صنعت را به ساختاری انرژی‌بر تبدیل کرده، باعث می‌شود صنعت با افزایش یک باره قیمت همه حامل‌ها، با یک جهش قیمتی در تولید مواجه شود. لذا باید بحث آزاد سازی قیمت انرژی، حساب شده و با نگاه به همه جوانب صورت



گیرد. در این شرایط باید به این مسأله اذعان داشت که اصلاح ساختار قیمت‌ها به تنهایی و بدون اصلاحات در سایر بخش‌ها - مانند نرخ ارز - می‌تواند باعث آسیب پذیری بیشتر تولید کنندگان ما در برابر واردات و یا ایجاد اشکالات اساسی در مسیر صادرات، توسعه رکود و گسترش بیکاری شود. الان بحث بر سر افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده است، در حالی که اگر قرار است با افزایش قیمت حامل‌های انرژی به تولید کننده فشاری وارد شود، باید از سمت دیگر، این فشار را کم کرد. لذا اصلاح ساختار مالیاتی در کشور از دیگر موارد مهمی است که باید به آن توجه داشت.

این که دولت بخواهد از طرق مختلف نظیر وزارت بازرگانی، تعزیرات حکومتی و یا سازمان حمایت از حقوق تولید کننده و مصرف کننده، جلوی افزایش قیمت‌ها را در بازار بگیرد، اشتباه دیگر دولت است که نه مؤثر است و نه مطلوب، زیرا نارضایتی مردم را فراهم می‌آورد. باید بدانیم که تورم، حاصل تدبیر خرده فروشان نیست و به مسایل پولی و سیاست‌های دولت برمی‌گردد. دولت بهتر است به جای برخوردهای قهری با موضوع، به برنامه ریزی‌های علمی در راستای کنترل کسری بودجه، کنترل اعتبارات بانکی، وام‌های تکلیفی، عدم اجبار سیستم بانکی به پرداخت وام به بخش‌های مختلف و اعمال سیاست‌های کلان موفق، متوسل شود.

## زیرساخت‌ها مشکل دارند

رکود و بیکاری ناشی از آن، امروز از مهمترین مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور ما محسوب می‌شوند. در اصلاح قیمتی به شیوه کنونی، باید روی

آزاد سازی اقتصاد متمرکز شد. بسیاری از تولید کنندگان نسبت به نحوه قیمت گذاری دولت بر کالاهای خود، گلایه دارند. این کنترل قیمتی بر خلاف مبانی اقتصاد آزاد و رقابتی است، بنابراین باید در راستای ایجاد سازگاری در چارچوب اصلاح قیمت انرژی، این موارد هم اصلاح شوند. البته منظور، اصلاً یک اصلاح رادیکال و زیر و رو کردن اقتصاد نیست، بلکه اصلاحات تدریجی و فراگیر مد نظرند. همین که این اصلاحات صورت گیرند و دولت به تعهدات خود در قبال بخش خصوصی - مانند بدهی‌هایی که به بخش خصوصی و پیمانکاران دارد و بدین ترتیب آنان را با مشکل نقدینگی مواجه کرده است - عمل کند، می‌توان به اصلاح امور امیدوار بود.

بنگاه‌ها در کشور ما با مشکل نقدینگی مواجه‌اند و باید مشکل نقدینگی بنگاه‌ها را از طریق سیستم بانکی حل کرد. دولت در حال حاضر، روی خدمات بانک‌های خصوصی هم قیمت گذاری می‌کند. این باعث بسته شدن دست و پای بانک‌ها شده است. بانک‌های خصوصی می‌توانند منبع مهمی برای تأمین مالی بخش خصوصی باشند، اما وقتی روی آنها قیمت گذاری می‌شود، دیگر نخواهند توانست به درستی نقش خود را ایفا کنند. دولت باید لاقط کنترل قیمتی بانک‌های خصوصی را متوقف کند و اجازه دهد بازار بر روی فعالیت‌های جذب منابع و تسهیلات آنها قیمت بگذارد.

باید به این مطلب توجه داشت که تقریباً همه بخش‌های اقتصادی در کشور ما با انرژی سر و کار دارند و اگر قرار باشد سیاست‌های درست در راستای تقویت بخش تولید در کشور اتخاذ نشوند، مشکلات به مراتب بیشتری گریبان گیر بخش خصوصی خواهند شد. خود دولت و بنگاه‌های دولتی یکی از مصرف کنندگان بزرگ انرژی‌اند. قرار بر این است که ۵۰ درصد منابع حاصل از آزاد سازی یارانه‌ها به مردم پرداخت شود، ۳۰ درصد به بخش صنعت اختصاص یابد و ۲۰ درصد هم در اختیار دولت باشد. اما این که با ۲۰ درصد سهم دولت، چه میزان از هزینه‌ها قابل پوشش هستند، اصلاً معلوم نیست.

راهکار آن است که دولت بر خلاف رویه کنونی که با اتلاف منابع زیادی رویه‌رو است، به صرفه جویی روی آورد و بازدهی مصرف را افزایش دهد. اگر دولت به جای صرفه جویی، به افزایش کسری بودجه دامن بزند، نتایج بسیار خطرناکی به بار خواهند آمد. ■